

منشور امام صادق (ع) به مبلغان

<?xml encoding="UTF-8">

ماه ربیع المولود یاد آور مناسبت‌های ارزشمند و ماندگاری در تاریخ شیعه؛ از جمله، ولادت حضرت رسول اکرم 9 و میلاد امام صادق (ع) می باشد که برای مبلغان اسلامی، فرصتی طلایی برای رساندن پیام اسلام و مکتب تشیع به اقضا نقاط عالم است.

به مناسبت میلاد ششمین پیشوای معصوم (ع)، برخی از مهم ترین درسهای آن امام همام را به مبلغان گرامی تقدیم می داریم:

تقویت و ارتقاء بنیه علمی

شایسته است که مبلغان گرامی، همواره در تقویت علم و دانش خود بکوشند و اطلاعات علمی، مذهبی و عمومی خود را به روز کنند. امام صادق (ع) همواره می فرمود: «لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَدِيًّا فِي خَالَيْنِ إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا؛ [1] دوست ندارم جوانی از شما (شیعیانم) را ببینم، مگر در دو حالت: یا عالم یا متعلم و دانش اندوز.»

در عصر ما که عصر ارتباطات نام گرفته است، یک مبلغ، گذشته از علم دین و معارف اسلامی، باید از علوم عمومی معاصر نیز مطلع بوده و بتواند پاسخگوی نیاز عموم مخاطبان باشد وگرنه با اقبال آنان؛ به ویژه جوانان روبرو نخواهد شد.

رسول گرامی اسلام با همه عظمت علمی خود مورد این خطاب خداوندی قرار گرفت که: $G: قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا$ ؛ [2] «[ای رسول ما] بگو: «پروردگارا علم مرا افزون کن!»

هر روز، نیاز به یادگیری داریم و باید برای پیشبرد کار تبلیغ، همواره در ارتقاء سطح معلومات خویش، مانند اقشار علمی دیگر، کوشا باشیم. همانگونه که مثلاً پزشکان هرگز از اطلاعات جدید علم پزشکی بی نیاز نیستند.

شناخت زمان

شناخت زمان و موقعیت، از دیگر ابزار لازم در امر تبلیغ است که بدون آن، توفیقی حاصل نخواهد شد. شیوه ها، طرحها و فعالیتهای یک مبلغ باید به روز باشد تا بتواند در مخاطب تأثیر بهتری بگذارد. بدون شناخت زمان و موقعیت، هرگز امر تبلیغ، به سامان نمی رسد و میزان خطاها و اشتباهات به مراتب فزونی خواهد یافت. از اینرو امام صادق (ع) به مفضل می فرماید: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ؛ [3] کسی که زمان خود را بشناسد آماج اشتباهات قرار نمی گیرد.»

مبلغ هرگز نمی تواند خارج از زمانه خود زندگی کند؛ حتی امور شخصی و خانوادگی او نیز تحت تأثیر تحولات معاصر است. امام صادق (ع) نه تنها در تبلیغ دین، بلکه در زندگی شخصی نیز به مقتضیات روز توجه می کرد و در مقابل کسانی که انتظار داشتند آن حضرت مانند زمانهای قبل زندگی کند چنین پاسخ می داد: «رسول گرامی

اسلام (ص) در زمانی زندگی می کرد که عموم مردم از نظر اقتصادی در مضیقه بودند و پیامبر (ص) خود را با آنان در زندگی ساده و فقیرانه هماهنگ می کرد؛ اما اگر روزگاری، وضع معیشتی مردم بهتر شد، اهل ایمان و نیکان روزگار به بهره گیری از آن سزاوارترند، نه انسانهای فاجر و منافق و کافر.» [4]

البته این سخن بدان معنی نیست که مبلغان و روحانیون معظم، در تشریفات و تجملات، با دیگر اقشار جامعه مسابقه دهند و بجای تقویت مسائل معنوی، به رفاه و ارتقاء دنیای خود پردازند که این نقض غرض خواهد بود.

بینش سیاسی

علاوه بر شناخت زمان، بینش سیاسی یک مبلغ، او را در رسیدن به اهدافش یاری خواهد کرد. شناخت دوست و دشمن و تشخیص اغراض افراد، نیاز به بینش سیاسی دارد. سیره پیشوای ششم (ع) در این مورد الگوی خوبی برای ما است. ابومسلم خراسانی به امام (ع) پیشنهاد قیام کرد و اظهار داشت: من مردم را به دوستی اهل بیت: دعوت می کنم. کسی بهتر از شما برای حکومت نیست، اگر مایل باشید من با شما بیعت می کنم؛ اما امام با بینش خاص خود به او پاسخ منفی داده و فرمود: «مَا أَنْتَ مِنْ رَجَالٍ وَلَا الزَّمانُ زَمَانٍ؛ تو از یاران من نیستی و زمان هم برای [قیام] من مناسب نیست.» [5]

مبلغ موفق، کسی است که از حرکات، سکنت، گفتار و رفتار افراد، اغراض آنان را تشخیص می دهد و تصمیم مقتضی را می گیرد. او به تجربه دریافته است که نیت همه افراد قربة الى الله نیست؛ و البته در برخورد با مسائل و افراد، صبر و مدارا و تدبیر را پیشه خود می سازد.

آشنایی با شرایط خاص فرهنگی

معمولا در هر منطقه، باورهای نادرست و فرقه های انحرافی یافت می شود که مانعی برای مبلغان به حساب می آید.

مبلغ اسلامی، برای تبلیغ بهتر، لازم است با این موارد در منطقه تبلیغی خود آشنا باشد و اجمالا اعتقادات و رسومات آنان را بداند تا در صورت لزوم، تعامل مناسبی با آنان داشته باشد. آشنایی با افکار آنان موجب می شود که اولاً؛ آنها را علیه خود تحریک نکند. ثانیاً؛ پاسخهای منطقی و متقن آماده نماید. ثالثاً؛ با اعتماد به نفس بیش تری در منطقه تبلیغ کرده و اشراف به محل تبلیغ خود داشته باشد. در هر صورت، شناخت شرایط خاص فرهنگی باید در دستور کار مبلغان باشد تا علاوه بر تعامل متقابل، بتوانند تحرکات فرهنگی را به صورت مناسب مدیریت کنند.

حرکت و برخورد امام صادق (ع) در این زمینه، ترسیم کننده این ویژگی برای مبلغان دینی است. آن گرامی نه تنها خود، تمام تحرکات فرهنگی را زیر نظر داشت؛ حتی به یاران خود یاد داده بود که جنبشها و فعالیتهای فرهنگی عصر خود را پی گیری کنند و ارکان و عوامل آن را بشناسند و در موقع لازم، برخورد مناسبی با آنان داشته باشد. معتزله، جبریه، مرجئه، غلات و متصوفه، برخی از آنان بودند. امام در این زمینه آنچنان دقیق بود که به شیعیان توصیه می کرد به جوانان و نوجوانان، احادیث اهل بیت: را بیاموزند تا در دام افکار آلوده آنان گرفتار نشوند. [6]

صداقت و امانتداری

از منظر امام صادق (ع) صداقت و امانتداری یک مبلغ، از ضروری ترین صفات اوست که بدون آن، ابلاغ رسالت

میسر نخواهد بود. آن گرامی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ؛ [7] خداوند عز و جل پیغمبری را مبعوث نکرده است، جز به راستگوئی و امانتداری به نیکوکار و بدکار.» امانتداری در اموال، نفوس، اعراض و نوامیس مردم و اسرار و عیوب و مشکلات خانوادگی، برای یک مبلغ، از اساسی ترین خصوصیات به شمار می آید که جلوه ای از تقوای اوست و جایگاهش ر در میان مردم و مخاطبان تقویت می کند. اگر خدای ناکرده در این زمینه لغزشی از وی صورت گیرد، تمام زحمات او و حتی سایر مبلغین هدر می رود.

گذشته از این، سِمَت تبلیغ، خود امانتی بس گران بها در دست مبلغ است که باید با تمام وجود از آن پاسداری کند و نام خود و مبلغان گذشته و آینده را بلند و سرافراز نگه دارد. مولایمان امام علی (ع) در این زمینه فرموده است: «وَ إِنَّ عَمَلَك لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ؛ [8] مطمئناً کاری که به تو سپرده شده، نه لقمه ای چرب، بلکه بار امانتی در گردن توست [که در پاسداری آن از هیچ کوششی فرو گذاری نکنی]!»

مراقبت از خود فراموشی

مبلغان دینی جلوه ای از انسانهای نمونه جامعه هستند که مردم از اعمال و رفتار آنان الگو برداری می کنند و می توانند با رفتار و کردارشان دین را تبلیغ کنند؛ از اینرو هرگز نباید در اثنای تبلیغ، دچار خود فراموشی شوند. امام صادق (ع) در سخنی صریح، مبلغانی را که خود را فراموش کرده اند، این گونه توبیخ می کند: «تَجِدُ الرَّجُلَ لَا يُخْطِئُ بِلَامٍ وَ لَا وَائٍ خَطِيئاً مُصْقَعاً وَ لَقَلْبُهُ أَشَدُّ ظُلْمَةً مِنَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ تَجِدُ الرَّجُلَ لَا يَسْتَطِيعُ يُعَبِّرُ عَمَّا فِي قَلْبِهِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبُهُ يَزْهَرُ كَمَا يَزْهَرُ الْمُصْبَاحُ؛ [9] شخصی را می یابی که در سخنوری، لام یا واوی خطا نمی کند. خطیبی است زبردست و بیانی شیوا دارد؛ ولی دلش از شب تاریک و ظلمانی، تاریک تر و سیاه تر است. و شخصی را می یابی که نمی تواند آنچه در دل دارد به زبان آورد (بیان خوبی ندارد)؛ اما دلش [از نور ایمان مملو است و] مانند چراغ نور افشانی می کند.»

و این کلام معروف امام ششم (ع) همیشه باید نصب العین مبلغان باشد که فرموده است: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةً بِأَلْسِنَتِكُمْ؛ [10] مردم را با رفتارشان به سوی خدا بخوانید و تنها با زبانهایتان دعوت نکنید.»

در اینجا فرازی از حدیث معراج را هم مرور کنیم که دقیقاً در این زمینه مناسب می نماید. رسول خدا (ص) فرمود: «مَرَرْتُ لَيْلَةً أُسْرِيَ بِي عَلَى أَنَاسٍ تُفَرِّصُ شِفَاهُهُمْ بِمَقَارِيضٍ مِنْ نَارٍ فَقُلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرَائِيلُ فَقَالَ هَؤُلَاءِ خُطَبَاءُ مَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا مِمَّنْ كَانُوا يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ يَنْسَوْنَ أَنْفُسَهُمْ؛ [11] در شبی که من را به معراج بردند، به گروهی برخورد کردم که مأمورین الهی با قیچیهای از آتش، لبهای آنان را می بریدند. از جبرئیل پرسیدم، اینها کیستند؟ گفت: آنان خطبا و سخنرانان از اهل دنیا هستند که مردم را به نیکی دعوت می کردند؛ ولی خود ر فراموش می نمودند.»

سایر سفارشات امام (ع) به مبلغان

برخورد منطقی با پیروان سایر ادیان، برنامه ریزی، تدوین منشور تبلیغ، استفاده از مناظره و گفتگوی رو در رو، فرا منطقه ای بودن مبلغ، توجه به فقه و آموزش احکام، اهمیت به موضوع رهبری و امامت و ترویج و احترام به سایر مبلغان، از دیگر درسهایی است که باید از مکتب امام صادق (ع) بیاموزیم و امیدواریم به عنوان یک مبلغ

پی نوشت ها :

- [1]. بحارالأنوار، علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفا، ج 1، ص170.
- [2]. طه / 114.
- [3]. الکافی ، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیة، ج 1، ص 26.
- [4]. همان، ج5، کتاب المعیشة، ح1.
- [5]. ینابیع المودة، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، نشر دارالاسوه، ج3، ص161؛ الامام جعفر الصادق (ع)، عبدالحلیم الجندی، ناشر، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة القاهرة، ص75.
- [6]. التهذیب، محمد بن حسن طوسی، دار الکتب الاسلامیة، ج8، ص111.
- [7]. الکافی، باب الصدق و أداء الأمانة، ج2، ص104.
- [8]. نهج البلاغة، نامه 5، ص366.
- [9]. الکافی، باب فی ظلمة قلب المنافق، ج2، ص422.
- [10]. بحارالأنوار، الجامعة لدرر أخبار الثمة الطهار، باب الهدایة و الإضلال و التوفیق، ج5، ص198.
- [11]. همان، ج69، ص223.